

گفت وگوي مظفر شاهدي با دکتري باقر عاقلی درباره: اشغال ایران در جنگ جهانی دوم

درباره دکتري عاقلی

دکتري باقر عاقلی فرزند حجت الاسلام شیخ محمد فقیه در سال 1308 ش در شهر قزوین متولد شد. تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه خود را در این شهر گذراند و برای ادامه تحصیل و اخذ گواهی ششم متوسطه وارد مدرسه دارالفنون شد و در سال 1327 ش دیپلم گرفت. در سال 1331 ش از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته علوم سیاسی و قضایی فارغ التحصیل شد. سپس برای ادامه تحصیل وارد مدرسه علوم اداری شد و در سال 1334 به درجه فوق لیسانس نائل گردید و در سال 1338 در دانشکده حقوق دانشگاه تهران از رساله دکتري خود دفاع کرد.

دکتري عاقلی از سال 1328 وارد عرصه مطبوعات و روزنامه نگاری شد و در بسیاری از مجلات، نشریات و روزنامه‌های آن روزگار نظیر **صدای مردم**، **سپید و سیاه**، **خواندنیها**، **تهران مصور** و ... مقاله و مطلب می‌نوشت. ایشان همکاری خود با نشریات و روزنامه‌های مختلف را تا سالهای بعد ادامه داد و هنوز هم هر از چندگاه مقالاتی از ایشان در روزنامه‌ها و نشریات کشور چاپ و منتشر می‌شود. شمار مقالات وارد شده ایشان در نشریات و روزنامه‌ها به بیش از 2000 مورد می‌رسد. دکتري عاقلی از سال 1340 چند سالی در مدرسه عالی بازرگانی، حقوق اداری و تبلیغات بازرگانی تدریس می‌کرد. تاکنون بیش از 25 عنوان کتاب در عرصه تاریخ معاصر ایران از ایشان چاپ و منتشر شده است. عناوین برخی از مهمترین کتب ایشان عبارت است از: **نخستین وزیران ایران**، **روزشمار تاریخ ایران** در دو جلد، **شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران** در سه جلد، **رضاشاه و قشون متحدالشکل**، **داور و عدلیه**، **میرزا احمد خان قوام السلطنه**، **فروغی و شهریور 1320**، **زندگینامه تیمورتاش**، **زندگینامه نصرت‌الدوله فیروز**، **زندگی و خاطرات محمد ساعد مراغی**، **زندگی و خاطرات دکتري احمد متین دفتري** و ...

با تشکر از حضرتعالی که قبول زحمت فرموده و در این گفت وگو شرکت کردید، به عنوان اولین سؤال بفرمایید، قبل از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم رضاشاه چه رویکردی نسبت به جنگ و طرفین متخاصم داشت؟

جنگ جهانی دوم در تابستان 1318 شمسی آغاز شد ابتدا توسط آلمان با حمله به لهستان آغاز گردید در آن هنگام عده‌ای آلمانی که در رشته‌های مختلف تخصص داشتند در ایران مشغول کار بودند. عده آنها در حدود هفتصد نفر بود و در ماه‌های اول جنگ نیروی آلمانی به سرعت پیشرفت کردند و خیلی از کشورهای اروپایی را به تصرف خود درآوردند مانند فرانسه، بلژیک، لهستان، سوئد، نروژ، هلند و چند کشور دیگر. رضا شاه آلمانها را برنده جنگ می‌دانست از این رو در آبان ماه 1318 جم (نخست‌وزیر) را به وزارت دربار برد و آقای احمد متین دفتري را با سابقه سه سال وزارت عدلیه به نخست‌وزیری رسانید. متین دفتري از طرفداران آلمان بود و زبان آلمانی می‌دانست و با دولت مزبور روابط بسیار نزدیکی داشت. وقتی جنگ بین آلمانها و روسیه شروع شد آلمان به سرعت در روسیه پیشرفت کرد به طوری که به نزدیک قفقاز رسید و بیم آن بود که سریعاً به ایران برسد. از طرفی انگلیس و امریکا طی نامه‌های متعددی از ایران خواستار اخراج آلمانها شدند و ایران خواسته آنها را انجام نداد. سرانجام در شهریور 1320 قوای انگلیس از جنوب و قوای روس از شمال و غرب ایران را مورد تجاوز قرار دادند به طوری که در چند ساعت نیروی دریایی ایران منهدم شد و شمال ایران نیز توسط روسها به تصرف درآمد، شهرهای تبریز، رضائیه، اردبیل و غیره بمباران و متصرف شدند. در آن تاریخ ارتش ایران ظاهر 18 لشکر داشت دو لشکر و دو تیپ در تهران مستقر بودند که از هر لحاظ کامل بودند ولی سایر لشکرها تکمیل نشده بودند.

طفاً درباره تصمیم شورای عالی جنگ مبنی بر مرخص کردن سربازان که به نوعی اعلام آتش بس و تسلیم در برابر متفقین بود، توضیحاتی بفرمایید.

روز هشتم شهریور شورای عالی جنگ در باشگاه افسران تشکیل گردید. این شورا عبارت بود از: سرلشکر ضرغامی رئیس ستاد ارتش، سرلشکر بوذرجمهری فرمانده لشکر اول تهران، سرلشکر نقدی فرمانده لشکر دوم تهران، سرلشکر نجوان وزیر جنگ، سرلشکر یزدان‌پناه فرمانده دانشکده افسران، سرتیپ علی ریاضی، سرتیپ خسروانی فرمانده نیروی هوایی، سرتیپ رزم آرا، سرتیپ ریاضی، سپهبد امیر احمدی فرمانده حکومت نظامی تهران و چند افسر دیگر. این شورا تصمیم گرفت کلیه سربازان را ترخیص و به جای آنها سرباز با 35 تومان حقوق استخدام کنند. تمام سربازان مرخص شدند و با پای پیاده به سوی شهرهای خود رفتند. رضا شاه از این تصمیم عصبانی شد و افسران شرکت کننده را برای بعد از ظهر روز نهم شهریور به سعدآباد دعوت کرد و به عده‌ای از افسران که طرفدار آزادی سربازان شده بودند حمله نموده و با شمشیر سر لشکر نجوان وزیر جنگ و سرتیپ ریاضی را به شدت مضروب نمود.

چرا در طول دوران جنگ جهانی دوم ایران پل پیروزی لقب گرفت؟

باید عرض کنم وقتی جنگ آلمان و روسیه شروع شد و در اوایل جنگ پیشرفت آلمان در خاک روسیه زیاد بود. انگلیس و امریکا تصمیم گرفتند به روسیه کمک کنند تنها راهی که وجود داشت و می‌توانستند اسلحه به روسها برسانند ایران بود و از این

نظر به ایران حمله کردند و همین امر باعث شکست آلمانها شد.

جنابعالی نقش محمدعلی فروغی را در خلع رضا شاه از سلطنت تا چه اندازه مهم می‌دانید؟

در مورد خلع رضا شاه باید عرض کنم سبب آن فروغی ذکاء الملک بود بنده با بعضی از افراد این خانواده نزدیک بودم مخصوصاً آشنایی با مهندس فروغی و سه تن از فرزندان اسدی مرحوم داشتم. آنها می‌گفتند انگلیسها تصمیم داشتند، رضا شاه پس از استعفا، ایران بماند ولی فروغی معتقد بود او اگر در تهران باشد در تمام کارها مداخله می‌کند و نمی‌گذارد حکومت کار خود را بکند. برای بردن رضا شاه به خارج از ایران از روز نهم شهریور حمله انگلیس در رادیوهایی لندن و دهلی شروع شد تا سرانجام او را با خفت و خواری به خارج تبعید نمودند. مخفی‌نماند که قوای ایران هرگز نمی‌توانست در مقابل روسیه و آمریکا و انگلستان استقامت کند. در روزهای اول و دوم حمله انگلیس نیروی دریایی به کل از بین رفت. در تبریز و در رضائیه بمبارانهای متوالی روسها عده زیادی از سربازان را نابود کرد. تنها لشکری که توانست مقاومت کند و جلوی حمله انگلیسها را بگیرد لشکر کرمانشاه بود. فرماندهی این لشکر به عهده سرلشکر مقدم قرار داشت و جمعیاً 48 ساعت با انگلیس جنگید.

تبعات سوء ناشی از اشغال کشور توسط متفقین برای مردم ایران چه بود؟

وقتی قوای روس و انگلیس و آمریکا وارد خاک ایران شدند در تهران و سایر شهرهای ایران برای خود محل استقرار گرفتند؛ خیلی از ادارات و سربازخانه‌ها و بیمارستانها در اختیار آنها قرار گرفت و قوت لایموت آنها از شهرهای ایران تهیه شد دو ماه بیشتر طول نکشید که ایران دچار کمبود مواد غذایی شد. گرانی، سرسام آور شد. نان و مواد غذایی را با کوبن در اختیار مردم قرار می‌دادند. سالهای 1321 و 1322 عده زیادی از مردم در اثر فقر مردند و همه روزه در خیابانهای شهرها عده‌ای از بیماری جان می‌دادند. تا پایان جنگ این وضع در ایران استقرار داشت.

طفاً درباره دلایل و عواملی که موجبات اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم را فراهم آوردند، دیدگاههای خود را بیان بفرمایید

فکر اشغال ایران از آغاز جنگ بین المللی دوم در مغز دو آتش‌افروز جنگ به وجود آمد، ولی در آن هنگام ضرورت چندانی برای اجرای این فکر وجود نداشت. حمله ناگهانی و برق‌آسای قوای آلمان هیتلری به روسیه برای دولت انگلستان از یک طرف و دولت اتحاد جماهیر شوروی از طرف دیگر این فکر را تقویت نمود، به خصوص که دولت انگلستان و دولت آمریکا پس از ملاقات و مذاکره روزولت و چرچیل در اقیانوس اطلس و امضای منشور آتلانتیک و انعقاد یک پیمان مصمم شدند برای کمکهای تسلیحاتی به شوروی ایران را اشغال نمایند. در همان ایام استالین فهرستی از فوری‌ترین نیازهای شوروی را برای روزولت و چرچیل فرستاد و نمایندگان بین واشنگتن، لندن و مسکو رفت و آمد کردند. بدون شک رساندن کمک به شوروی هم برای آن کشور و هم برای انگلستان جنبه حیاتی داشت و بایستی این کمک در اسرع وقت انجام می‌گرفت.

برای رساندن کمک به شوروی چند طریق وجود داشت: یکی از راه اقیانوس منجمد شمالی که در این راه خطر یخبندان ممکن بود در انجام برنامه‌های کمک رسانی وقفه ایجاد کند و دیگری راه خاور دور از طریق ولادی و سنتک و مورمانس بود. این راه دارای یک مسافت طولانی یازده هزار کیلومتری بود و از طرفی دولت ژاپن هم اجازه عبور جنگ‌افزار از این طریق را نمی‌داد، زیرا خود عضو محور بود.

راه دیگر راه بغازیسفر و داردانل بود ولی دولت ترکیه این راه را مسدود نموده بود. کوتاهترین و امنترین راه از طریق ایران بود که خط آهن نهد کیلومتری آن خلیج فارس را به دریای خزر می‌پیوست. دولتهای انگلیس و شوروی قبلاً در این زمینه گفت و گو کرده بودند. هریمین نماینده دولت آمریکا که برای مذاکره به مسکو سفر کرده بود همین راه را پیشنهاد کرده و اضافه نموده بود که باید برای تکمیل و توسعه این خط طرحهایی نیز ارائه نمود و از همین جاست که اندیشه حمله نظامی به ایران یک تصمیم قطعی بین کشورهای انگلستان و شوروی در آمد.

متفقین برای فراهم آوردن مقدمات حمله به ایران به چه دستاویزهایی متوسل شدند؟

برای پیاده کردن این فکر مقدماتی لازم بود، از این رو از اوایل تیر ماه 1320 بهانه جوییهایی آغاز شد. روز نهم تیر ماه خبرگزاریهای آزاد فرانسه خبری منتشر ساختند مبتنی بر اینکه، دولت شوروی به ایران با سوءظن نگرینسته و این کشور را مرکزی برای حمله به شوروی می‌داند. در همین روز سفیر تازه شوروی به نام اندره اسمیرنوف با تعلیمات جدیدی وارد تهران شد و با نخست وزیر و وکیل وزارت امور خارجه ملاقات و از اقدام ایران در مورد اعلام بی طرفی در جنگ آلمان و شوروی اظهار تشکر و امتنان نمود و بلافاصله خبرگزاری تاس خبر خبرگزاری فرانسه آزاد را مبتنی بر تیره بودن روابط ایران و شوروی تکذیب کرد، مع الوصف بعضی از جراید خارجی روش و رفتار رضاشاه را در ایران مورد انتقاد قرار می‌دادند. در ملاقاتی که در همان روزها بین علی منصور نخست وزیر و سرریدر بولارد وزیر مختار انگلستان صورت گرفت، بولارد اشغال نظامی ایران را تکذیب کرد و بی طرفی ایران را محترم شمرد. روز بیست و هشت تیر ماه بولارد وزیر مختار انگلیس و اسمیرنوف سفیر شوروی تذکاریه مشترک به دولت ایران تسلیم نمودند و از حضور اتباع آلمانی در ایران ابراز نگرانی کردند. همزمان با تسلیم این تذکاریه سفیر ایران در مسکو و وزیر مختار ایران در لندن به وزارت امور خارجه آن کشور احضار و تأکید کردند که اتباع آلمانی

مقیم ایران هر چه زودتر باید اخراج شوند. دولت ایران به تذکاریه دولتی پاسخ داد و متذکر شد رفتار اتباع بیگانه در ایران تحت مراقبت کامل است و هیچ گونه اقدامی از طرف آنها علیه همسایگان ما انجام نخواهد گرفت. ولی دولت انگلستان در قبال این گفت و گوها به ژنرال ویول فرماندهی نظامی هندوستان دستور داد برای حمله به ایران نیروهای نظامی خود را به عراق منتقل کند و او نیز ظرف یک هفته برنامه کار خود را انجام داد و لشکر نهم هندی را برای تجاوز به ایران، به بصره گسیل نمود.

طفاً بیان فرمایید دو کشور روسیه شوروی و انگلستان برای حمله به ایران چه مقدار استعداد نظامی و تسلیحاتی فرا هم آورده بودند؟

با توجه به قوای انگلیس و مقایسه آن با نیروی شوروی ملاحظه می‌شود دیدگاه این دو کشور برای حمله به ایران کاملاً متفاوت بود. روسها بر آن بودند که برای درهم شکستن فوری و قطعی هرگونه مقاومتی یک نیروی گسترده سنگین به کار گیرند. ارتش سرخ برای مقابله با نیروی ایران که عبارت بودند از: لشکر سوم آذربایجان، لشکر چهارم آذربایجان، لشکر نهم خراسان، لشکر 15 اردبیل، لشکر 12 گرگان و لشکر دهم گیلان که مجموعاً طبق برآورد روسها بالغ بر 37 هزار نفر بودند، نیرویی معادل 120 هزار سرباز و هزار تانک سنگین در مرز متمرکز ساخته بودند. در حالی که قوای انگلیس برای مقابله با نیروی دریایی جنوب، لشکر ششم خوزستان، لشکر 12 کرمانشاه، لشکر 5 کردستان که احتیاطاً در خوزستان آرایش جنگی یافته بود و طبق محاسبه انگلیسها بالغ بر 30 هزار نفر بودند به اضافه 16 تانک، فقط 19000 سرباز و 50 تانک سبک به کار گرفته بودند. تعداد هواپیماهای بمب افکن شوروی که نیروی زمینی را تقویت می‌کرد پنج برابری نیروی هوایی دولت انگلیس بود، ولی آنچه مسلم است پیش بینی هر دو کشور درباره قوای نظامی ایران غیر از آن بود که در عمل مشاهده کردند و شاید روسها با یک پنجم قوای تدارک دیده می‌توانستند به مواضع خود دسترسی پیدا کنند.

دولت انگلیس بر خلاف دولت شوروی برای حمله به ایران آنچنان تدارکی ندیده بودند. قوای که می‌بایستی به ایران حمله کند تحت فرماندهی ژنرال آرجیویول فرمانده قوای انگلیس در هندوستان بود. وی مستقیماً دستورات خود را توسط ژنرال ادوارد ب. کونیان فرمانده قوای انگلیس در عراق صادر می‌نمود. در لحظات آخر فرماندهی مستقیم حمله به ایران به ژنرال ویلیام اسلیم فرمانده لشکر دهم هندی واگذار شد و ژنرال جان تیارک فرمانده تیپ نهم زرهی و ژنرال جان آیزل وود فرمانده تیپ دوم زرهی دستیاران وی در این حمله بودند. دولت انگلیس قوایی که برای حمله به ایران تدارک دیده بود عبارت بودند از: لشکر دهم هندی، لشکر هشتم هندی، تیپ دوم زرهی هندی، تیپ نهم زرهی، تیپ بیست و یکم هندی، تیپ هجدهم هندی، تیپ بیست و چهارم هندی، تیپ بیست و پنجم هندی و نیروی دریایی.

به نظر حضرتعالی چرا ارتش رضا شاه که آن همه برای تأسیس و تجهیز آن هزینه شده بود، به سرعت از هم فروپاشید؟

هجوم متفقین به مرزهای ایران ساعت 4 با مداد روز سوم شهریور آغاز شد. ارتش صد و بیست هزار نفری ایران که با میلیاردها ریال هزینه از مالیات بیوه زن، دهقان زحمتکش، کارگران و کارمندان تأمین شده بود، ظرف 6 روز چون گلوله بر فی در مقابل اشعه خورشید ناگهان ذوب شد و از بین رفت و به دنبال آن فرمانده کل قوای خود را به اسارت و تبعید به جزیره موریس فرستاد. ارتشی که فقط برای سرکوبی مردم و عشایر و زحمتکشان به وجود آمده بود، سه روز نتوانست حالت دفاعی به خود بگیرد، با عقب نشینی کرد یا فرار.

قوای نظامی انگلیس که برای حمله به ایران با قوای کمتری مواجه می‌شدند و به حساب آنها احتمالاً سی هزار سرباز مسلح ایران در مسیر آنها قرار می‌گرفت از این رو برای برخورد با قوای ایران 19 هزار سرباز و پنجاه تانک سبک بود. انگلیسیها معتقد بودند چون نیروهای آنها تعلیم گرفته و مانور دیده بودند لذا در جنگ چابکی داشتند و هر کدام می‌توانستند در مقابل جند سرباز ایرانی استقامت کنند و تحقیقاً این تاکتیک نظامی آنها صحیح و حساب شده بود.

به این ترتیب طبعاً برتری دشمن چه از لحاظ نفرات و سلاحهای متعدد و آمادگی، فرصت مطالعه را از فرماندهان ایرانی سلب کرد، به طوری که بعضی امرا و فرماندهان آنچنان دستپاچه و حیران شده بودند که فقط فکر جان خود و خانواده شان بودند. ناگفته نماند قوای ایران نیز آنچنان مجهز نبود. آنچه ارتش ایران فراهم کرده بود همه را در دو لشکر تمرکز داده بود؛ دو لشکر قوی و بزرگ که می‌توانست چند روز اشغال تهران را تأخیر بیندازد. غالب لشکرها فاقد تحرک بودند و اساساً اسم بی‌سمایی به نام لشکر بر آنها اطلاق شده بود ولی غالباً نفرات آنها از یک تیپ هم کمتر بود.

طفاً جریان سریع و زود هنگام شکست و نابودی نیروی دریایی رضاشاه در مقابله با تهاجم نیروهای انگلیسی در جنوب کشور را مختصراً تشریح فرمایید

سرتیپ غلامعلی بایندر فرمانده نیروی دریایی جنوب که ضمناً فرماندهی تیپ مرزی ایران را نیز عهده‌دار بود در اثر شلیک توپخانه دشمن از خواب بیدار شده به طرف قایقی که در آن نزدیکی لنگر انداخته بود شتافت. قایق بایندر به سرعت به سوی بارانداز کوچکی که بالای دو ناو سیمرغ و کرکس قرار داشت حرکت کرد. دو گلوله به سمت قایق شلیک شد. گلوله دوم قایق را از آب بلند کرده به کناری پرتاب نمود، قایق به گل نشست و با بندر وارد ساحل شد. مقاومت نیروی دریایی خرم‌شهر کمتر از بندر شاهپور بود. همه چیز به یکباره از هم گسیخت. چند افسر از جمله صفوی تسلیم و بازداشت شدند و کلیه ناوها دچار حریق شده از کار افتادند.

در دفاع از خرمشهر تلفات سنگینی بر ایرانیان وارد آمد و متجاوز از 400 تنگ و سی خودرو و 4 مسلسل به دست دشمن افتاد

در حالی که در تمام منطقه جنوب زدو خورد ادامه داشت، بایندر در ایستگاه بی سیم رفته وضعیت را به تهران گزارش داد، اما هنگام بازگشت از ایستگاه هدف گلوله قرار گرفت و شهید شد

جنگ و گریز نیروهای دریایی ایران با قوای مهاجم تا ظهر بیشتر طول نکشید. فرماندهان نیروی دریایی یا مقتول شدند و یا به اسارت رفتند و بدین ترتیب نیروی دریایی جوان ایران در اثر خبط و خطای فرمانده کل قوا و مشاورین نظامی و سیاسی او ظرف ده ساعت از هم متلاشی شد. در برخورد جنگی نیروی دریایی با قوای مجهز انگلیس و هندی بیش از پانصد سرباز ایرانی شهید شدند که نام آنها در هیچ کتابی ثبت نشده است

طفاً درباره تبعات حمله ددمنشانه و سنگین نیروهای متفقین به ایران به طور اجمال توضیحاتی بفرمایید

با وجودی که نامه ترک مخاصمه صبح زود روز ششم شهریور به دو سفارتخانه فرستاده شده بود و آن دو سفارتخانه هم مراتب را در همان لحظات به مسکو و لندن اعلام نموده بودند هیچ گونه تغییر در بمباران شهرها و برخورد مسلحانه با نظامیان به وجود نیامد. البته روسها با همان خشونت شهرها را بمباران می کردند و نظامیان را که تسلیم می شدند به اسارت می گرفتند و به خارج از کشور می فرستادند. روزهای ششم و هفتم و هشتم شهریور بمبارانهای شمالی ایران توسط هواپیماهای بمب افکن بسیار شدید و سبانه بود به طوری که غالب ساکنان شهرهای شمالی کشور محل سکونت خود را رها نموده به دهات اطراف پناه می بردند. شورویها به هر شهری که وارد می شدند مانند یک دولت فاتح اداره شهر را به دست گرفته رؤسای ادارات و نمایندگان دولت اعم از نظامی و شخصی را بازداشت می کردند. و همان طوری که اشاره کردم فکر اشغال ایران از شروع جنگ بین المللی دوم در ذهن سیاستمداران شوروی و انگلیس نقش بسته بود. دولت انگلیس برای حفظ تأسیسات نفتی خود در خلیج فارس و شورویها برای دسترسی به همان منابع نفتی چنین تصمیمی داشتند

طفاً در باره نقش قاطع و تعیین کننده دو کشور شوروی و انگلستان در برکناری رضا شاه از سلطنت و تبعید او از کشور دیدگاههای خود را بیان بفرمایید

سرانجام دیپلماسی دولتی روس و انگلیس برای برکناری و تبعید رضاشاه به توافق رسیدند. در این توافق دولت انگلستان سهم بیشتری داشت. ریچارد بولارد وزیر مختار وقت انگلیس در تهران یکی از بازیگران این صحنه بود و زمینه را چه در داخل ایران و چه در وزارت امور خارجه دولت متبوع خود فراهم ساخت. پادشاه ایران در میان رجال سیاسی و نظامی انگلستان هم مخالفینی داشت که آنها نیز در این تغییر مداخله داشتند، از جمله می توان فیلد مارشال، ادmond آیرونساید رئیس ستاد مشترک انگلستان را نام برد. آیرونساید بعد از جنگ بین المللی اول فرمانده قوای انگلستان در عراق و ایران بود و هم او بود که میرپنج رضاخان را برای عملی نظامی کودتا تعیین و تقویت نمود. بر اساس تلاش و موافقت همین شخص بود که دیپلماسی آنها موافق با وزارت جنگ و نخست وزیری و بالاخره سلطنت رضا خان گردید ولی رضاشاه در عمل نشان داد که مردی خودسر و خودخواه است. از طرفی هر دو همسایه در صدد بودند که برای حفظ منافع خود تا زمانی که حمله آلمان به شوروی آغاز نشده به ایران تجاوز کنند. دولت شوروی برای دستیابی به نفت جنوب ایران و عراق چند لشکر مجهز در قفقاز آماده کرده بود و دولت انگلستان هم در سوریه به فرماندهی سپهد ریگان فرانسوی برای حمله به ایران و تصرف چاه های نفت قفقاز قوای کافی و لازم تدارک دیده و هر آن تصمیم به اجرای این مهم را پیش بینی می کرد که سرانجام برنامه عوض شد و انگلستان در کنار روسیه قرار گرفت و پای دولت امریکا هم به وسط کشیده شد و تجاوز به ایران و استفاده از امکانات موجود آن امری واجب و ضروری برای شکست آلمان بود

شاید در بادی امر دولتی تصمیم به تغییر شاه ایران نداشتند ولی اعمال رضاشاه و دولت وی باعث شد چنین تصمیمی اتخاذ شود و این برنامه از روزهای ششم شهریور آغاز گردید. عدم توجه به اخراج آلمانیهای مقیم تهران و سایر شهرها، مداخله رضاشاه در تمام امور و تنبیه امرای لشکر تما ماً موجبات خلع او از سلطنت بود و لی دولتی نظری به تبعید او نداشتند. ذکاءالملک فروغی و مجید آهی و چند تن دیگر از وزیران مصر بودند که شاه باید از ایران برود زیرا در هر کجای ایران که باشد در امور مملکت مداخله خواهد نمود. دولت انگلستان برای اخراج و استعفای رضاشاه در ایران شروع به زمینه سازی نمود و رادیوهای لندن و دهلی و فرانسه و چند کشور دیگر در بخش اخبار فارسی حملات شدیدی به رضا شاه می کردند. بولارد در یکی از گزارشهای خود به وزارت امور خارجه انگلیس می نویسد: توجه گسترده به پخش برنامه به زبان فارسی رادیو بی.بی.سی نقش برجسته و شاید تعیین کننده ای در استعفای شاه ایفا کرد

واکنش حکیمی نخست وزیر وقت به خودداری شوروی از خروج نیروهایش از ایران چه بود؟ و چرا احمد قوام نخست وزیر بعدی ترجیح داد در برابر شوروی سیاست دیگری را در پیش بگیرد؟

آقای سید حسن تقی زاده وزیر مختار ایران در لندن طبق دستور ابراهیم حکیمی نخست وزیر روز 25 دی 1324 شکایت ایران را از دولت شوروی به شورای امنیت سازمان ملل تسلیم نمود. دولت شوروی تشخیص داد که انگیزه ایران از این شکایت تحریک دولت انگلیس است و به همین سبب پنج روز بعد گرومیکو، سفیر شوروی در لندن، دو یادداشت علیه دولت بریتانیا به

علت مداخلات آنها در یونان و اندونزی به شورای امنیت تسلیم کرد. روز سوم بهمن، وبشینسکی نماینده دولت شوروی در سازمان ملل به لندن وارد شد و بلافاصله جواب شوروی را در باب شکوائیه دولت ایران تسلیم شورای امنیت نمود.

در همان روزها در ایران تغییراتی به وقوع پیوست و آن استعفای حکیمی بود که توسط متولیان مجلس که پیرو سیاست انگلیس بودند انتخاب شده بود و به جای وی احمد قوام که مورد حمایت چپ‌گراها و دولت شوروی بود به نخست وزیر منصوب گردید. احمد قوام اعتقادی به طرح شکایت ایران از شوروی در شورای امنیت نداشت بلکه معتقد بود که باید با مذاکرات مستقیم را با دولت شوروی باز کرد. از این رو به هیئت نمایندگی ایران دستور داد که فعلاً از تعقیب شکایت ایران خودداری نمایند. سرانجام شورای امنیت با این شرط که شورا از چگونگی جریان مذاکرات مستقیم و درجه پیشرفت آن اطلاع داشته باشد و عنداللزوم بتواند در آن مذاکرات مداخله کند تصمیم گرفت که موضوع به مذاکرات مستقیم بین دولتین ایران و شوروی احاله شود

پس از اتخاذ این تصمیم مقامات نظامی شوروی در ایران راه آهنهای آذربایجان، مازندران، قزوین و شاهرود را به دولت ایران تحویل دادند، به طوری که این مسئله تعجب رادیو لندن را برانگیخت و خبری در این زمینه انتشار داد و از تحول مهم در روابط شوروی و ایران سخن گفت

چنانکه حضرتعالی استحضار دارید، بر اساس توافقات قبلی، نیروهای متفقین می‌باید حداکثر پس از 6 ماه از پایان جنگ خاک ایران را ترک می‌کردند، اما شوروی حاضر به خروج از کشور نبود، در این میان نقش قوام‌السلطنه در حل بحران پیشامد کرده فوق چه اندازه بود؟

اصل مسئله این بود که کشور ما در اشغال نیروهای نظامی متفقین بود و جنگ جهانی خاتمه یافته بود. بایستی کشور ما به موجب پیمان سه گانه تخلیه می‌شد و خسارات ناشی از جنگ تأدیه می‌گردید و دولت انگلستان به پیمان سه گانه معتقد بود و آن را لازم الاجرا می‌دانست ولی تنها شوروی بود که موجبات خودمختاری آذربایجان را فراهم ساخته و از هر اقدام نظامی دولت ایران برای حل مشکل آذربایجان جلوگیری می‌کرد و ماه‌ها لشکر جدید التاسیس آذربایجان را در شریف آباد قزوین متوقف ساخته و اجازه حرکت به آن نمی‌داد و بالاخره شوروی بود که مدعی گردید قسمتی از خاک ایران را تا حصول امنیت کامل تخلیه نخواهد کرد. دوستان قوام السلطنه برای حصول نتیجه فعالیت خود را در سطح چپ‌گرایان کشور آغاز کردند. جراید چپی او را مرد میدان معرفی نموده خواستار نخست وزیری او شدند و قوام نیز توسط واسطه‌هایی چون مظفر فیروز اعتماد کامل شورویها را به خود جلب کرد. شوروی میل داشت مانند انگلستان در ایران منافع داشته باشد و همان طوری که نفت جنوب در اختیار انگلیسها بود آنها نیز می‌خواستند امتیاز نفت شمال را به دست بیاورند؛ بنابراین به دنبال نخست وزیری بودند که به امیال آنها جامه عمل بپوشاند. سرانجام قوام السلطنه در آن ایام مورد توجه شوروی قرار گرفت و اقدامات مظفر فیروز و مورخ الدوله سپهر به نتیجه رسید و قوام تحقیقاً کاندیدی دولت شوروی برای نخست وزیر شد و دولت شوروی حاضر به مذاکره حضوری با او گردید

در طول دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین مشکلات و معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عدیده‌ای دامنگیر مردم ایران شد. به نظر حضرتعالی در واپسین سال تداوم جنگ و حضور اشغالگران در ایران چه مسائل و مشکلاتی متوجه مردم و دولت ایران شده بود؟

سال 1324 برای ملت ایران سالی پر تلاطم و سخت و ناگوار بود. با وجودی که جنگ جهانی دوم در بعضی از جبهه‌ها از شدت افتاده بود آثار تبعی آن در سطح کشور هویدا و عریان به چشم می‌خورد. قحطی و کمبود مواد غذایی از یک طرف و بیکاری و ناچیز بودن مزد و حقوق از طرف دیگر تمام طبقات را در فشار و مضیقه قرار داده بود و همه در تلاش تأمین زندگی بودند. با وجودی که شواهد نشان می‌داد که به زودی نآثره جنگ خاموش خواهد شد، تمام خاک ایران در سلطه نظامیان شوروی، انگلیس، امریکا و هند بود و عده‌ای میهمان ناخوانده به نام اسرای جنگی نیز در تهران و چند شهر دیگر سکونت داشتند

هنوز فروردین ماه به پایان نرسیده بود که ششمین نخست وزیر بعد از شهریور 20، پس از گزارش چهار ماهه نخست وزیر خود با رأی عدم اعتماد نمایندگان مواجه شد و صندلی صدارت را ترک کرد. نمایندگان مجلس شورای ملی برای جانشینی سهام السلطان بیات جلسات متعدد تشکیل دادند و نهایتاً ابراهیم حکیمی که بعد از استبداد صغیر تا کودتای 1299 در غالب کابینه‌ها شرکت داشت و در دوره پهلوی خانه نشینی اختیار کرده بود مورد توجه نمایندگان قرار گرفت و پس از دو هفته تبادل نظر در یک جلسه خصوصی 64 نفر به نخست وزیر او رأی دادند

در پایان از حضور و صبر و حوصله‌ای که در پاسخ به پرسشهای طرح شده نشان دادید، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم

http://www.iichs.org/index.asp?id=572&doc_cat=8

History Site of Mirhadi hoseini